

یادداشت

چه کسی حق دارد شهر را دوباره بنویسد؟

وحیدقاسمی

معمار و مدیر موزه خیابان ولیعصر

این پرسشی است که در سال‌های اخیر، بی‌آنکه پاسخی روشن داشته باشد، در لایه‌های پنهان ذهن من تکرار شده است. پرسشی که نه در جلسات رسمی، بلکه اغلب در دل کوچ‌ها، در مواجهه با خانه‌ای که دیگر نیست، یا میدانی که خاطره‌اش فقط در زبان مردم جاری است، رخ می‌نماید. بازسازی، مفهومی پیچیده‌تر از آن است که در معادلات فنی و اسناد عمرانی می‌گنجد. بازسازی، بازنویسی روایت فضاست و اگر قصه‌ای برای بازنویسی نباشد، هیچ بازسازی‌ای کامل نخواهد بود. کتاب «شهر از نو»، با ترجمه نوید پورمحمدرضا و چاپ نشر اطراف، مجموعه‌ای از جستارها درباره بازسازی فضاهای شهری پس از فاجعه است. اما آنچه این کتاب را برای من مهم می‌کند، نه‌فقط روایت‌های خاص آن از بیروت و هیروشیما و نیواورلئان، بلکه شیوه‌ای است که در آن، فضا و خاطره، مردم و معماری، ویرانی و بازسازی را به هم می‌دوزد. در این کتاب، با بازسازی نه به عنوان یک پروژه عمرانی، بلکه به‌مثابه یک پروژه فرهنگی مواجه می‌شویم. کتاب در عین پراگندگی جغرافیایی روایت‌ها، ساختار درونی منسجمی دارد: همه جستارها به ما می‌گویند که «شهر تنها زمانی بازسازی می‌شود، که مردم، روایت خود را از آن بازسازی کرده باشند». بازسازی بدون احیای زبان و قصه‌های مردم، فقط نوعی حذف و جایگزینی است؛ بی‌ریشه، بی‌اعتنا به حافظه. این مسئله در بسیاری از پروژه‌های بازسازی در سراسر جهان مشهود است و کتاب به‌خوبی نشان می‌دهد که هرگاه این بی‌توجهی رخ داده، شهر بازنگشته، فقط تکرار شده است. در میان جستارهای کتاب، آنچه بیش از همه برابم ماندگار شد، روایت بازسازی «کرنیکا» بود؛ شهری که نامش برای همیشه با بمباران و نقاشی پیکاسو گره خورده است. اما آنچه جستار به ما نشان می‌دهد، نه صرفا ویرانی فیزیکی، بلکه تلاش آگاهانه برای ساختن شهری جدید با پرهیز از فراموشی است. کرنیکا نماد آن لحظه‌ای است که شهر تصمیم می‌گیرد ویرانی را پنهان نکند، بلکه آن را بدل به نشانه‌ای فرهنگی کند. نام شهر دیگر فقط یک جای جغرافیایی نیست، می‌شود یک قصه. در نقطه مقابل، برخی دیگر از بازسازی‌ها- از برلین تا برخی شهرهای جنگ‌زده معاصر- مسیره‌ای متفاوتی را پیش می‌گیرند. کتاب با مقایسه‌های گاه تلخ اما ضروری، یادآوری می‌کند که بازسازی هم می‌تواند پاک‌کن باشد، هم قلم. امروز که دوباره با جنگ‌هایی در دل شهرها مواجهیم، این کتاب اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. ما فقط ساختمان نمی‌سازیم، ما نشانه می‌سازیم، خاطره می‌سازیم و آنگاه که بنا را بازمی‌گردانیم، باید به‌یاد داشته باشیم که چگونه بازمی‌گردانیم. در زمینه ما، جایی که میراث اغلب به‌مثابه موزه‌ای ایستا فهمیده می‌شود، این کتاب بر اهمیت معاصرسازی میراث تأکید دارد. بازسازی در آن نه صرفا بازگشت به گذشته، بلکه بازگشایی مجدد نیست‌هاست؛ نیست مردم با فضا، نیست تاریخ با زندگی روزمره، و نسبت ما با آینده‌ای که هنوز قصه‌اش نوشته نشده است. برای من این کتاب نه‌فقط منبعی در باب معماری پس از ویرانی، بلکه راهی برای بازاندیشی نقش فضا در خلق آینده است. کتاب یادآوری می‌کند که اگرچه ویرانی، سهم بسیاری از شهرها شده، اما آنچه یک شهر را بازمی‌گرداند، نه مصالح ساختمانی، بلکه روایت آن است. باید شهری را فقط زنده خواهیم ماند که به‌جای ساختن صرف، بتواند چیزی را در دل مردم دوباره برافرازد؛ قصه‌ای از دل خود، در دل ویرانه‌ای مشترک. این جستار، تلاشی است برای تلاقی روایت، معماری و میراث در نقطه‌ای که شهر از نو متولد می‌شود؛ نه‌فقط از دل خاک و آجر، بلکه از دل زبان، خاطره و میل به بازگشت.

خبر

بحران نظافت در پایتخت

تهران آنلاین : تهران سال‌هاست با معضل نظافت شهری دست‌وپنجه نرم می‌کند. اگرچه اقدامات مقطعی مدیران شهری در برخی دوره‌ها باعث بهبود نسبی وضعیت شده، اما خروج ناگهانی اتباع خارجی و ضعف پیمانکاران در جایگزینی نیروی کار، این معضل را تشدید کرده و همچنان تمیزی شهر به یکی از دغدغه‌های جدی پایتخت‌نشینان تبدیل شده است. تهران مدت‌هاست که شهر تمیزی نیست. راهکارهای مدیران شهری در مقاطعی جواب داده و باعث افزایش رضایت‌مندی شهروندان تهرانی در حوزه نظافت شده اما همچنان تمیزی شهری یکی از چالش‌های اصلی تهران است. مدیریت این حوزه نیز بارها دستخوش تغییر شده اما تغییر مدیران نیز کمکی به تمیزترشدن شهر نکرده است. خروج ناگهانی اتباع خارجی نیز بار دیگر مدیریت شهری را در این حوزه دچار چالش کرده. هرچند مدیران شهری به‌طور رسمی این موضوع را تأیید نمی‌کنند، اما با توجه به سهم بالای اتباع خارجی در حوزه پسماند و وضعیت فعلی نظافت معابر شهر، نمی‌توان تأثیر خروج ناگهانی آنها را نادیده گرفت. سال گذشته رضا محمدی، مدیر وقت سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران، اعلام کرده بود که از حدود ۱۰ هزار پاکبان فعال در شهر تهران، شش هزارنفر از اتباع خارجی هستند؛ عمدتا مجاز، اما برخی نیز غیرمجاز. نارضایتی از نظافت شهر همچنین موضوع تذکر اعضای شورای شهر است. مدیران شهری هم منکر آن نیستند. مدتی پیش داوود گودرزی، معاون خدمات شهری و محیط زیست شهرداری تهران، از تدوین سازوکار جذب نیروی ایرانی در حوزه رفت‌وروب و فضای سبز خبر داد. او گفت با انتشار فراخوان در شهرهای مختلف، نیروهای ایرانی با حقوق ۲۰ تا ۲۲ میلیون تومان به همراه بیمه و مزایای دیگر جذب خواهند شد. او با تأکید بر اینکه نظافت شهر هزینه سنگینی بر دوش مدیریت شهری می‌گذارد، از پیمانکاران خواست در جهت نظافت و آراستگی شهر اهتمام بیشتری داشته باشند و افزود: در موضوع نظافت با کسی تعارف نداریم و کار باید به نحو مطلوب انجام شود. اما آنچه خبرساز شد، انتشار ویدئویی از گودرزی بود که به صراحت نسبت به وضعیت نامطلوب جمع‌آوری زباله واکنش نشان داد و گفت: «از این به بعد دیگر این حرف‌ها را نمی‌شنوم؛ برای من نمی‌صرفه، کارگرم رفتن، تألیزم ضعیفه». هرکس اینها را می‌گوید، برود... او با اشتداد جدی ادامه داد: اگر کسی جریمه ۲۰ میلیونی را زیاد می‌داند، من جریمه ۲ میلیاردی می‌دهم. گوشی من فقط شده عکس زباله! هشت ماه است که روی این موضوع ایستادم. گودرزی اعلام کرد که از این به بعد هیچ عذر و بهانه‌ای از پیمانکاران پذیرفته نخواهد شد و با کتاهای در جمع‌آوری پسماند برخورد قاطع خواهد شد. ناصرامانی عضو شورای شهر تهران هم با اشاره به تأثیر کمبود نیروی انسانی در بخش خدمات شهری، خواستار اقدام جدی شهرداری برای جبران این خلا شد. ناصر امانی درباره وضعیت فعلی نظافت شهری پس از خروج اتباع غیرمجاز از چرخه کاری گفت: شهرداری از ابتدا اعلام کرده بود که برای جبران کمبود نیرو، پیمانکاران موظفتند از نیروهای بومی استفاده کنند و با افزایش حقوق و مزایا، این جایگزینی را عملی کنند؛ اما شواهد نشان می‌دهد که این اتفاق به‌طور کامل رخ نداده است. امانی با تأکید بر اینکه «عامل انسانی» اکنون به یکی از مشکلات ملموس نظامت شهری تبدیل شده، ادامه داد: شهرداری باید هرچه سریع‌تر به این موضوع ورود کند و با فشار بر پیمانکاران، شرایط را برای جذب نیروهای بومی فراهم آورد. او روز گذشته در صحن علنی شورا با هم از وضعیت نظافت شهر انتقاد کرد و یادآور شد یکی از محلات مرکزی تهران دراین فراخوان تنها دو نیروی پاکبان ایرانی جذب کرده است.

نورا حسینی: با وجود تصویب واگذاری مسئولیت بازسازی ساختمان‌های آسیب‌دیده در تهران به شهرداری، بسیاری از کارشناسان نسبت به این تصمیم ابراز تردید کرده‌اند؛ تردیدهایی که نه‌تنها به تجربه محدود شهرداری در بازسازی پساچنگ، بلکه به شیوه تأمین مالی مبتنی بر تراکم‌فروشی و فقدان نظارت مؤثر دولت بازمی‌گردد. علی اعطا، پژوهشگر شهری و معماری و عضو هیئت‌رئیس‌ه شورای شهر پنجم، در این گفت‌وگو آسیب‌های این واگذاری را تشریح کرده است.

چرا تصمیم دولت برای سپردن بازسازی به شهرداری مورد تأیید بدنه کارشناسی کشور نیست؟

بسیاری از کارشناسانی که در این زمینه اعلام نظر کرده‌اند، به دلایلی با واگذاری این مسئولیت موافقت ندارند. من مخالفتی به لحاظ نهادی با این تصمیم ندارم و آن را قابل دفاع می‌دانم و اشکالات را در برخی عملکردهای شهرداری تهران و دولت می‌بینم. دلایلی نیز که از سوی برخی مطرح می‌شود، شایان تأمل است. برای یک مرور اجمالی می‌توان گفت برخی معتقدند چنین کاری باید توسط بنیاد مسکن یا ستاد مدیریت بحران که تخصصی‌تر هستند، صورت می‌گرفت و می‌گویند شهرداری تهران تجربه و تخصصی در حوزه بازسازی پس از جنگ ندارد. برخی نسبت به مسیرهای تأمین مالی توسط شهرداری تهران، طرح ابهام می‌کنند؛ از این جنبه که مدل پیشنهادی شهرداری برای تأمین مالی بازسازی، مبتنی بر واگذاری تراکم مازاد و تغییر کاربری است. برخی نسبت به تغییر ناگهانی تصمیم دولت برای واگذاری کار به شهرداری، بدون انتشار مستندات و دلایل کارشناسی انتقاد دارند و برخی این بحث را مطرح می‌کنند که بازسازی پساچنگ، صرفا یک اقدام عمرانی نیست، بلکه فرایندی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است و این‌مأموریت باید در چارچوبی ملی، با مشارکت نهادهای تخصصی، جامعه مدنی و نظارت عمومی انجام شود. به نظر من اینها نکات مهمی است که نمی‌شود به‌سادگی از آن چشم‌پوشی کرد.

در فاصله بین دو جلسه دولت، تصمیم نهایی تغییر کرده است. از نگاه شما چه اتفاقی در این مدت می‌تواند رخ داده باشد که مسیر تصمیم‌گیری را دگرگون کرده است؟

گفته می‌شود شهردار تهران پیشنهادی را در جلسه با حضور رئیس‌جمهور و وزیر راه و شهرسازی و معاونان ایشان و برخی دیگر از وزرا مطرح کرده‌اند مبنی بر اینکه موضوع بازسازی در تهران به‌طور کلی به شهرداری محول شود و شهرداری نیز از طریق افزایش تراکم در حدود ۲۵ درصد، هزینه‌های آن را تأمین کند. رئیس‌جمهور این پیشنهاد را با توجه به پیشنهاد تأمین مالی پذیرفته‌اند. البته ظاهرا از سوی وزارت راه و شهرسازی مخالفت‌هایی وجود داشته است، اما در نهایت رئیس‌جمهور در همان جلسه شفاها دستور داده پیشنهاد شهرداری دنبال شود. بعد هم افزایش تراکم ۵۰ درصد در کمسیون ماده ۵ به تصویب رسیده است.

به نظر شما این تصمیم تا چه حد با اصول حاکم بر تاب‌آوری شهری و مدیریت ریسک تطابق دارد؟

به‌هرحال قابل نقد است، ما که همیشه به دلایل متعددی در تراکم‌فروشی به دلایل فنی و کارشناسی و از منظر سیاست‌گذاری شهری مخالفت کرده‌ایم. در این رابطه هم بالاخره این کار بی‌تبعات نخواهد بود. اما از طرفی، اگر واقعا وضعیت منابع مالی دولت به‌گونه‌ای است که هیچ انتخاب دیگری برای تأمین مالی نمی‌ماند، شاید بشود به لحاظ کارشناسی مخالف بود، ولی یک تصمیم مدیریتی در شرایط اضطرار را پذیرفت. بااین‌حال، مهم این است که این افزایش تراکم محدود به پلاک‌های آسیب‌دیده باقی بماند و به بهانه‌هایی تصمیم پیدا نکند. به عبارتی، در تراکم‌فروشی، روزنه‌کشایی نشود که متأسفانه شواهدی نشان می‌دهد در مصوبه اخیر کمسیون ماده ۵، در فروش همان ۵۰ درصد مازاد تراکم هم روزنه‌کشایی کرده‌اند.

شما در پاسخ به پرسش اول دلایل مخالفت‌های کارشناسان در واگذاری مسئولیت بازسازی به شهرداری را دسته‌بندی کردید و توضیح دادید؛ بااین‌حال خود شما مخالفی با واگذاری مسئولیت بازسازی ندارید؟

با اصل این تصمیم مخالفت ندارم. همه این اشکالاتی که مطرح می‌شود، وارد است. اما من به چند نکته دیگر توجه می‌دهم. اول اینکه دولت به لحاظ توان اجرایی، در شرایطی نیست که بتواند بازسازی را بر عهده بگیرد. شهرداری تهران، با امکانات و شبکه گسترده‌ای از نیروهای اجرایی و ساختار سلسله‌مراتبی در سطح مناطق و محلات، حتما بهتر از دولت توان اجرایی چنین کاری را دارد. دولت اساسا فرزی و چابکی و حتی توان اجرایی کافی را برای به نتیجه رساندن چنین پروژه‌ای ندارد. این کاری است که از نگاه شهرداری، فارغ از اینکه چه کسانی در رأس مدیریتی شهرداری باشند، برمی‌آید. در سایر شهرها و استان‌ها البته موضوع متفاوت است. دوم اینکه تعیین شیوه تأمین مالی، پیشنهاد شهرداری و تصمیم رئیس‌جمهور بوده است. این الزاما مرتبط نیست با اینکه شهرداری متولی بازسازی است یا نه. شهرداری می‌تواند متولی امر باشد. اما منابع مالی از محل دیگری تأمین نشود و دولت می‌تواند متولی باشد، اما تأمین مالی از محل تراکم مازاد باشد. اینها را باید از هم تفکیک کرد. سوم اینکه معتقدم دولت، حالا که بالاخره خوب با بد پذیرفته است تأمین مالی بازسازی از محل فروش ۵۰ درصد تراکم مازاد باشد، باید با جدیت بیشتری به وظایف نظارتی و کنترلی خود عمل کند. اگر دولت از طریق وزارت راه و شهرسازی از طریق شش عضو که در کمسیون ماده ۵ دارد یا از طریق وزارت کشور و... به وظایف نظارتی خود عمل نمی‌کند و شهرداری را رها و صاحب‌اختیار گذاشته است، بخش مهمی از اشکال از دولت است. نمی‌شود دولت از ابزارهای نظارتی خود بهره نگیرد، بعد صرفا بگویم چرا شهرداری هر کاری خواست می‌کند. در این موضوع، شهرداری توان اجرایی دارد، پس کار به او محول شده است. دولت هم وظیفه نظارتی دارد.

بررسی واگذاری مسئولیت بازسازی ساختمان‌های آسیب‌دیده به شهرداری تهران با تأمین مالی از طریق تراکم‌فروشی، در گفت‌وگو با علی اعطا

در تراکم‌فروشی، روزنه‌گشایی کردند



چرا فکر می‌کنید دولت به وظیفه نظارتی خود عمل نکرده است؟

پاسخ به این پرسش را صرفا به همین دوره جنگ محدود می‌کنم. یک هفته بعد از آغاز جنگ، مصوبه عجیبی با عنوان مصوبه شورای شهرداران ابلاغ شد که طرح تفصیلی و برخی قوانین از جمله ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها را به‌صورت گسترده نقض می‌کرد. این صورت‌جلسه در تاریخ اول تیر منتشر شد که ۱۲ بند داشت؛ گویا روز سوم تیر توسط معاون شهردار ابلاغ شد و دستورالعمل‌های جدیدی مغایر با طرح تفصیلی برای مدت یک ماه، در رابطه با افزایش طبقات از سه به پنج، افزایش سطح اشغال، افزایش تراکم و نیز تسامح در رابطه با تخلفات و نیز کمسیون ماده ۱۰۰ را شامل می‌شد. مطلقا روشن نبود که مستند قانونی این ابلاغیه کدام قانون بوده است. در تشریح ضرورت این ابلاغیه، در مقدمه آن، به مواردی نظیر «شرایط خاص کشور و شروع تجاوز رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی»، «شرایط کلان‌شهر» و «ضرورت ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی، اتخاذ تدابیر مؤثر جهت تسهیل و تسریع در انجام امور مردم» اشاره شده و هدف آن، «سهولت در فرایندهای اجرایی»، «ایجاد رضایت‌مندی عمومی» و «گازآمدی نظام اداری» ذکر شده بود. توجه کنید، در میانه جنگ، یک هفته بعد از شروع جنگ، مجموعه‌ای از امتیازات ویژه با نقض گسترده طرح تفصیلی و نه برای واحدهایی که نیاز بود بازسازی شود، بلکه به شکلی فراگیر و گسترده این موارد مطرح و گفته شده بود این امتیازات صرفا تا پایان تیرماه می‌تواند تعلق بگیرد. آقای دکتر کاظمیان، دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری، با آقای زاکانی مکاتبه کردند و نوشتند: «برخی موارد صورت‌جلسه مذکور از جمله تدوین دستورالعمل درخصوص تغییرات در ضوابط تراکم جمعیتی، ساختمانی، تعداد طبقات، سطح اشغال، تغییر عملکرد، ضوابط و مقررات باغ‌ها و فضای سبز صراحتا مصداق تغییرات طرح تفصیلی است.»

البته در این مکاتبه به اشکالات دیگر در ابلاغیه هم اشاره شده بود. یک مکاتبه به عنوان تذکر به شهردار و تمام. خب، روشن است که این مکاتبه اگرچه ضروری بود، اما هیچ‌گونه اثر حقوقی و قانونی نداشت. همان‌طور که صرف نامه رئیس شورای شهر هم اثر قانونی برای لغو آن ابلاغیه نداشت. مکاتبه دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری را در قالب یک تذکر می‌توان پذیرفت. اقدامی درست اما ناتمام و ناکافی. تمام‌کردن این اقدام این بود که موضوع را به شورای عالی شهرسازی و معماری می‌پردند، از طریق ابزارهای قانونی در آن سطح، چنین اقداماتی را متوقف می‌کردند یا به عنوان دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، از طریق دیوان عدالت اداری، برای توقف این ابلاغیه، اخذ دستور موقت را پیگیری می‌کردند. به نظر من، اینکه چنین اقداماتی انجام نمی‌شود و به یک نامه تذکر بسنده می‌شود، معنایش این است که در سطح بالاتر در وزارتخانه، اراده کافی در کار نیست و دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری، از حمایت سیاسی کافی در سطح وزیر، برای نظارت‌هایی از این دست برخوردار نیست. وگرنه صرفا به نامه‌ای که اثر حقوقی و قانونی در توقف ابلاغیه ندارد، بسنده نمی‌شد.

چرا نظر شما، آیا نهاد شهرداری به لحاظ ساختار حقوقی و وظایف قانونی، اساسا صلاحیت پذیرش مسئولیت بازسازی را دارد؟

اگر دولت به وظایف نظارتی خود درست عمل کند، به نظر من مشکلی وجود نخواهد داشت. ببینید، مناطق آسیب‌دیده در تهران، بافت‌های گسترده مسکونی نیستند، بلکه پلاک‌های متفرقی در مناطق مختلف شهر هستند. برای بازسازی این پلاک‌ها ما به چه مسائلی مواجهیم؟ یکی بحث تأمین مالی است که ارتباط مستقیمی ندارد که نهادی متولی بازسازی باشد. یکی موضوع صدور مجوزهای قانونی بر اساس سطح و سطوح و تراکم و طبقات و به عبارتی مسائل کالبدی و فیزیکی است. اساسا شهرداری متولی اینهاست و سازوکار آن را دارد. دیگری بخش اجرای پروژه ساختمانی است. این کار به سازوکار مشخصی دارد. چه دولت متولی باشد و چه شهرداری، بالاخره این کار باید توسط مهندسین مجری و طراح و ناظر و سازندگان انجام شود. این بخش هم اتفاقا موضوعی است که سازوکار متفاوتی با عموم ساخت‌وسازهای شهری ندارد. اینجا صرفا تسهیل و تسریع کار است که اهمیت دارد. خب البته اینکه بازسازی صرفا یک مسئله فیزیکی و کالبدی نیست و بعدا انسانی و اجتماعی و فرهنگی دارد حرف مهمی است، اما اینجا بالاخره تعداد مشخصی پلاک وجود دارد که باید بازسازی شود و باید نظر ذی‌نفعان مستقیم و ساکنان آسیب‌دیده نیز در آن اثر مستقیم داشته باشد. اینها هم باید سازوکارهای خود را داشته باشد، اما باید توجه داشت معطل‌ماندن بازسازی، مجموعه دیگری از آسیب‌ها را به همراه خواهد داشت که آن هم جدی است. امروز مسئله جای دیگری است. یک موضوع، عهده

شهرداری است. یک موضوع، عملکرد امروز این نهاد است. من فکر می‌کنم واگذاری این کار به نهاد شهرداری کار اشتباهی نبود، اما با توجه به سابقه عملکرد نامناسب شهرداری، نظر موردی که درباره ابلاغ مصوبه شورای شهرداران توضیح دادم، دولت باید به وظیفه نظارتی خود عمل کند و البته سازوکارهای نظارتی مناسب این فرایند خاص را هم پیش‌بینی کند.

آیا شواهدی وجود دارد که این تصمیم می‌تواند منجر به گسترش پدیده‌هایی مانند تراکم‌فروشی و تغییر کاربری غیرقانونی شود؟

بله محتمل است. ببینید، کمسیون ماده ۵ در تاریخ ۲۳ تیرماه، جلسه‌ای داشته که منجر به تصویب یک طرح موضوعی تحت عنوان «طرح ویژه دستورالعمل اعطای مشوق‌های تراکمی جهت بازسازی ساختمان‌های آسیب‌دیده...» شده بود. اما ظاهرا هنوز انتشار عمومی پیدا نکرده. این مصوبه، برای بازسازی ساختمان‌های آسیب‌دیده، واگذاری ۵۰ درصد تراکم مازاد را برای تأمین مالی در نظر دارد. فرض کنیم به دلیل شرایط خاص محدودیت منابع و مواردی از این قبیل، بپذیریم هزینه بازسازی این پلاک‌ها از طریق مازاد تراکم تأمین شود. اما نکته اینجاست که در یکی از بندهای ماده ۵ این مصوبه، تحت عنوان انتقال حق توسعه، عملا مسیر فروش «تراکم سبار» و «تراکم شاور» را باز کرده است. اگر چنین شود که شده است، باید گفت وارد دوران پیش از ۹۶ یعنی دوران هولوکرام‌های تراکم سیار و تمامی حواشی پیرامون آن خواهیم شد. فرایند بازسازی در این مقیاس، اگر نظارت فنی، حقوقی و مالی دقیقی نداشته باشد، می‌شود احتمال جدی داد که در ادامه معضلات جدی به بار خواهد آورد که ساکنان آسیب‌دیده ساختمان‌ها را درگیر مسائل حقوقی و مالی و آسیب‌های روحی- روانی دیگری خواهد کرد.

و اینکه آیا می‌توان نشانه‌ای از اهداف اقتصادی و تجاری پنهان در پس این تصمیم دید؟

چنین چیزی هم دور از ذهن نیست. ماده ۳ این مصوبه با عنوان «میزان مشوق تراکمی» می‌گوید: برای املاک مشمول، در صورت اقدام به تخریب و نوسازی تراکم تشویقی به شرح زیر قابل اعطا می‌باشد: معادل درصد زیربنا مازاد بر بیشینه زیربنای حقوق مکتسبه یا زیربنای ناشی از اعمال سقف تراکم مجاز مطابق با طرح تفصیلی با لحاظ کلیه مشوق‌های قانونی». خب اما در ادامه، در تبصره‌ای، اجازه داده است برای این پلاک‌ها طرح توجیهی مولدسازی با پیوست اقتصادی تهیه شود و به کمسیون ماده ۵ ارجاع داده شود. معنایش این است که ما از پلاک‌های آسیب‌دیده، فرصتی برای تعریف پروژه‌های سرمایه‌گذاری تعریف کنیم. خب اینها چه ربطی به فلسفه بازسازی دارد؟ و بعد شما تصور کنید، در جلسه کمسیون ماده ۵ که نمایندگان دولت در آن شش رای از هفت رای را در اختیار دارند، چنین چیزی تصویب شده است.

کارشناسان شهری از اصطلاح «جوب حراج بر طرح تفصیلی و جامع» استفاده می‌کنند؛ دقیقا کدام بخش‌ها خطر آفرین است و با چه پیامدهایی؟

من البته مشخصا این تعبیر را جایی ندیده‌ام اما به طور کلی هر اقدامی که خارج از ضوابط انجام شود، نظم شهری را مختل می‌کند. بالاخره آن مصوبه شورای شهرداران و این مصوبه کمسیون ماده ۵، از جمله مواردی است که اولی به صورت غیرقانونی و دومی به شکل ظاهرا قانونی، در طرح تفصیلی تغییرات ایجاد می‌کند. اینکه عرض می‌کنم ظاهرا قانونی، چون من گمان می‌کنم مصوبه با عنوان «طرح ویژه دستورالعمل اعطای مشوق‌های تراکمی جهت بازسازی ساختمان‌های آسیب‌دیده...» نیز، به تصویب در شورای عالی شهرسازی و معماری دارد و اگر چنین نشود، اجرای آن غیرقانونی خواهد بود. آنچه من می‌گویم، یک نظر کارشناسی و طبیعتا قابل نقد است. به لحاظ حقوقی تشخیص این امر، برعهده شورای عالی شهرسازی و معماری است. من البته این نظرم را به دکتر کاظمیان منتقل کرده‌ام.

چرا فکر می‌باشد بازنگری در این تصمیم شود، شما چه مدل نهادی با ترکیب وظایفی را برای بازسازی پیشنهاد می‌کنید؟

به نظرم تعیین شهرداری به عنوان متولی اجرا تصمیم قابل دفاعی بوده است. در حوزه نظارت فنی، باید کمسیون ماده ۵ و اعضای دولت در آن و همچنین شورای شهر، ایفای نقش کنند. به گمانم نظارت مالی باید از سوی شورای شهر و وزارت کشور شود و در حوزه نظارت‌های فرایندی نیز ترکیبی از سه نهاد وزارت راه و شهرسازی (و شورای عالی معماری و شهرسازی، وزارت کشور و شورای شهر باید دخیل باشند و طبیعتا، نقش قانونی سازمان‌هایی همچون سازمان نظام مهندسی ساختمان نباید کم‌رنگ شود. چنانکه متأسفانه در بخش‌نامه شهرداریان، در مسئله معرفی مهندسین ناظر از سوی سازمان نظام مهندسی ساختمان، اما و اگرهایی ایجاد شده است. در کنار همه اینها، حضور نهادهای مدنی برای نظارت و البته حمایت‌های اجتماعی از آسیب‌دیدگان، ضرورت جدی دارد.

نگاه

تعارض برسر آزادی

شرق: انتشار تصاویر سازه‌های موقت در اطراف برج آزادی طی روزهای اخیر، موجی از انتقاده‌ها را در فضای رسانه‌ای و مجازی به همراه داشت. میراث فرهنگی استان تهران پس از بازدید میدانی، به شهرداری منطقه ۹ و مجموعه فرهنگی برج آزادی هشدار داد این سازه‌ها بدون هماهنگی واخذ مجوز ایجاد شده‌اند و باید جمع‌آوری شوند. بر اساس مستندات موجود، در تاریخ ۲۹ تیر ۱۴۰۴ اداره کل میراث فرهنگی استان تهران طی نامه‌ای خواستار توقف فوری فعالیت‌های اجرائی شد. با این حال، از ۳۱ تیرماه، مراسم «مهرم‌شهر» بدون توجه به این هشدار برای سومین سال متوالی در برج آزادی برپا شده است.

در شرایطی که مصطفی زیبایی‌نژاد، مدیرکل فرهنگی شهرداری تهران، مدعی شد «تمامی هماهنگی‌ها انجام شده» و «هیچ آسیبی به سازه میدان آزادی وارد نشده»، رئیس مجموعه فرهنگی برج آزادی به‌صراحت اعلام کرده است که شهرداری هیچ‌گونه مجوز یا اجازه‌ای از مدیریت این مجموعه دریافت نکرده است.

احمد علوی، عضو شورای شهر تهران با اشاره به حواشی اخیر درباره برگزاری مراسم «مهرم‌شهر» در میدان آزادی به «شرق» گفت: اصل ماجرا جیز تازه‌ای نیست. سال‌هاست که میدان آزادی میزبان مراسم‌هایی مانند ۲۲ بهمن، روز قدس و حتی اعیاد مذهبی بوده است. اما آنچه باعث واکنش شده، نبود تعامل میان شهرداری و میراث فرهنگی است. مسئولان با هم گفت‌وگو نمی‌کنند و این بی‌تفاوتی تبدیل به حساسیت عمومی می‌شود.

علوی با تأکید بر اینکه شهرداری نمی‌تواند یک‌طرفه تصمیم بگیرد افزود: اینکه مدیریت شهری بگوید خرجش با خودم است و سن و سالی ندارم هم با من است، منطق درستی نیست. از آن طرف هم دوستان میراث فرهنگی باید بپذیرند که میدان آزادی فقط یک بنای تاریخی نیست؛ فضایی زنده در متن شهر است که مناسبت‌های بزرگ در آن برگزار می‌شود. متأسفانه اغلب نهادها ابتدا کار خود را شروع می‌کنند، بعد که پیش رفتند، ناگهان باید دیگر ورود می‌کند و با یک نامه مانع فعالیت می‌شود. این‌فرهنگ غلط باید اصلاح شود. علوی پیشنهاد تدوین دستورالعملی مشترک را مطرح کرد و گفت: باید چارچوب مشخصی برای این‌گونه فعالیت‌ها وجود داشته باشد. اگر دغدغه منظر بصری و حریم وجود دارد، دقیقا مشخص شود تا شهرداری بداند در چه محدوده‌ای و به چه مسشورهایی می‌تواند فعالیت کند، نه اینکه هر سال وارد میدان شویم و با تعارض و اختلاف روبه‌رو شویم.

علیرضا نادعلی، سخنگوی شورای شهر تهران هم در این باره به «شرق» گفت: نباید به هیچ بنای میراثی -نه‌فقط برج آزادی-، لطمه‌ای وارد شود. چه پروژه فرهنگی باشد، چه عمرانی یا زیباسازی؛ همه مسئولان باید مراقب این بناها باشند. نادعلی با اشاره به تجربه‌های سال‌های گذشته افزود: من خودم چندین بار در مراسم «مهرم‌شهر» حاضر شده‌ام. لطمه‌ای وارد نشده، سازه‌ها باید بازنگری شوند. باید میدان آزادی را طوری دید که زائویه‌های بصری‌اش حفظ شود. از نظر فنی هم نباید لطمه‌ای وارد شود. البته آنچه امروز ساخته شده موقتی است و طی چند روز جمع می‌شود، اما برای سازه‌های بعد باید طراحی بهتری ارائه شود.

نادعلی در ادامه از ایده تبدیل میدان آزادی به میدان‌گاه فرهنگی سخن گفت: طرح تبدیل میدان آزادی به میدان‌گاه فرهنگی ابتدا در کمیته فرهنگی شورا مطرح شد، سپس به کمسیون شهرسازی رفت. اما آنچه اجرا شد با آنچه ما در ذهن داشتیم متفاوت بود. ما می‌خواستیم این میدان نماد آزادی‌خواهی شود؛ نه‌فقط یک بنای تاریخی، بلکه فضایی زنده برای گفت‌وگو و همگرایی ملی.